

تکفیری‌ها و پروژه‌های اسلام‌هراسی در غرب

رضا رضایی*

چکیده

فعالیت‌های خشونت‌آمیز گروه‌های تکفیری، به خصوص گروه تروریستی داعش نقش بزرگی در تکمیل پروژه‌های اسلام‌هراسی در غرب داشته است. این گروه‌های تروریستی با منتشر ساختن تصاویر و فیلم‌های متعدد از اقدامات خشن و غیرانسانی خود در رسانه‌های غربی، سعی بر آن دارند تا اسلام را به عنوان دین خشونت و افراط‌گرایی معرفی کنند. از سوی دیگر، کشورهای غربی نیز با هدف مهار قدرت روز افزون اسلام سیاسی در تلاش‌اند تا چهره‌ی مخدوشی از دین اسلام به ملت خود معرفی کنند. به این ترتیب، افراط‌گرایی گروه‌های تکفیری به دستاویزی برای غرب، به منظور مقابله با اسلام‌گرایان تبدیل شده است. پژوهش حاضر سعی بر آن دارد تا ضمن تشریح علل مقابله‌ی غرب با اسلام، اعمال نابخردانه‌ی تکفیری‌ها را تقویت‌کننده‌ی پروژه‌ی اسلام‌هراسی در غرب معرفی نماید.

کلیدواژه‌ها: اسلام‌هراسی، تکفیری، اسلام‌گرایی، غرب.

۱. مقدمه

تاریخ مملو از درگیری‌های خونین بین غرب - به عنوان وارث قانونی امپراطوری رم - و اسلام است؛ درگیری‌هایی که از صدر اسلام تاکنون و به شکل‌های مختلفی به وقوع پیوسته است. غرب از همان ابتدا، اسلام را به عنوان «دیگری» در مقابل خود تصور کرده و این وضع در چند سال اخیر با رشد روز افزونی همراه بوده است. در این میان ظهور

* کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی در اسلام پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۵

گروه های تکفیری- تروریستی چون داعش و نفوذ عامدانه ی آنها در کشورهای غربی باعث تشدید اسلام هراسی (Islamophobia) در بین غربی ها شده است. غرب برای مقابله بانفوذ اسلام سیاسی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران قدرت روزافزونی یافته است، به ترویج اسلام هراسی در میان جوامع غربی می پردازد. در دوره های قبل به توهین، فحاشی، کشیدن کاریکاتور و سوزاندن قرآن اکتفا می شد و البته چون این رفتارها با پلورالیسمی که خود غرب داعیه دار آن بود تناقض داشت، مورد اعتراض شهروندان اروپایی و غربی قرار می گرفت. اما در سالهای اخیر گروهی از افراط گرایان تکفیری تحت لوای دولت به اصطلاح اسلامی و با شعارهای مذهبی، کشتارهای وحشتناکی به راه انداختند و به دلیل وجود اراده هایی مبنی بر انعکاس گسترده ی این جنایات در رسانه ها و مطبوعات، به سرعت در جهان منعکس شد. درواقع آنچه که امروزه توسط تکفیری ها و به نام اسلام انجام می گیرد، همان چیزی است که غرب سالها به دنبال نسبت دادن آن به مسلمانان بوده است. آنها با اعمال خشونت آمیز خود بهترین سوژه های خبری را برای رسانه های غربی تولید می کنند و خواسته یا ناخواسته در جهت تکمیل پروژه ی اسلام هراسی گام بر می دارند. داعش شانه به شانه ی غربی ها، در صدد معرفی اسلام به عنوان دین خشونت و شمشیر است و متأسفانه در این تصویر سازی به قدری موفق بوده که اگر یک قتل در مکانی اتفاق بیافتد و ضارب مسلمان باشد، بلافاصله رسانه ها بدون تحلیل انگیزه ی او، مسلمانی اش را در درجه ی اول اهمیت و حتی به عنوان دلیلی بر جنایت معرفی می کنند. امروزه اسلام هراسی جزو سیاست های انکار نشدنی تمدن غرب محسوب می شود و در همین راستا صدها سایت اینترنتی، شبکه های ماهواره ای و جراید مطبوعاتی در کشورهای غربی با استناد به اعمال غیر انسانی و افراط گرایانه ی تروریست های تکفیری به منفی نمایی غیرعقلانی از اسلام و مسلمانان می پردازند. با این مقدمه ابتدا عوامل شکل گیری و گسترش اسلام هراسی در میان جوامع غربی را برشمرد و سپس ضمن اشاره به اعمال خشونت آمیز و افراط گرایانه ی تکفیری ها، به سوء استفاده ی رسانه های غربی از این اعمال و بهره برداری از آن در جهت ترویج اسلام هراسی می پردازیم.

۲. عوامل شکل‌گیری اسلام‌هراسی در غرب

الف. افزایش روزافزون جمعیت مسلمانان در غرب: تغییرات اجتماعی در اواخر قرن بیستم به طور عمیقی خانواده را به عنوان مهمترین نهاد اجتماعی تحت تأثیر قرار داد و بنیان آن را متزلزل کرد. کاهش میزان ازدواج، افزایش میزان طلاق و رواج هم‌خوابگی (cohabitation) از نشانه‌های تضعیف بنیان خانواده در کشورهای غربی است. این تغییرات تأثیر بسزایی در کاهش میزان زاد و ولد و نرخ باروری در کشورهای غربی داشت. کاهش میزان باروری و حتی منفی شدن نرخ رشد جمعیت در برخی از کشور های غربی، سبب کاهش محسوس حجم جمعیت های ملی در این کشورها شد. استمرار این شرایط و باروری در زیر سطح جانشینی، دولت‌ها را مجبور به جذب نیروی کار مهاجر از دیگر مناطق جهان، خصوصاً کشورهای اسلامی کرد. اگرچه مهاجرت کارگران تاحدودی نیاز جوامع غربی را به نیروی کار برطرف کرد، اما تبعاتی نیز برای آنها به دنبال داشت که مهمترین آنها به هم خوردن ترکیب قومی و جمعیتی جوامع مهاجرپذیر بود. (حسینی، ۲۰۲۴: ۱۳۹۰) برخلاف غربی‌ها، مسلمانان به دلیل فرهنگ خاص خود از جمله تکریم نهاد خانواده و اهمیت ازدواج در دین اسلام، رشد جمعیتی بسیار بالایی را تجربه کردند. این رشد جمعیت تنها محدود به مهاجران مسلمان نبود، بلکه اقلیت های مسلمان ساکن اروپا نیز همین وضعیت را داشتند.

اکنون مسلمانان بزرگترین اقلیت دینی در اروپای غربی هستند و آمارها حاکی از آن است که جمعیت آنها در طول سی سال گذشته در اروپا سه برابر شده است. کارشناسان رشد مشابه یا حتی بالاتری را برای دهه های آینده پیش بینی می کنند و این وضع با توجه به تداوم مهاجرت مسلمانان به غرب و رشد بالای میزان زاد و ولد در میان آنها، حساسیت دولت های غربی را دوچندان می کند. پیش بینی ها حاکی از آن است که در سال ۲۰۲۰ میلادی مسلمانان ۱۰ درصد جمعیت اتحادیه اروپا را تشکیل خواهند داد.

(masci,2005)

ب. گرایش روزافزون شهروندان غربی به اسلام: علاوه بر افزایش جمعیت مسلمانان در اروپا به واسطه زاد و ولد و مهاجرت، برخی از مردم بومی غرب نیز به اسلام گرایش پیدا کرده اند و این روند همچنان ادامه دارد. طی سالهای اخیر رشد روزافزون گرایش مردم در سراسر جهان بخصوص اروپا و آمریکا، رهبران این کشورها را به فکر مقابله با این موج فزاینده اسلام‌گرایی نموده است. «سازمان تحقیقات پیو» (Pew Research Center) یکی از اتاق‌های فکر آمریکا در سال ۲۰۱۰ میلادی در گزارشی اعلام کرد:

«اسلام در ۲۰ سال آینده بزرگترین دین در اروپا بوده و تعداد مساجد ساخته شده نیز از کلیساها بیشتر خواهد شد». همچنین دولت «آلمان» برای نخستین بار اعتراف کرده که باید برای افزایش جمعیت بومی این کشور تلاش کرد، در غیراینصورت مسلمانان اکثریت جامعه آلمان را در دهه‌های آینده تشکیل خواهند داد. روزنامه ی انگلیسی گاردین به نقل از سازمان تحقیقات پیو ریسرچ می نویسد: «پیش بینی های جدید نشان می دهد که جمعیت مسلمانان اروپا به ۱۰٪ در سال ۲۰۵۰ م برسد و جمعیت مسلمانان آمریکا نیز به ۲۱٪ در همان سال خواهد رسید. همچنین در سال ۲۰۷۰ میلادی جمعیت مسلمانان جهان از مسیحیان بیشتر خواهد بود». (Yuhas: 2015) علاوه بر این، وزیر کشور وقت انگلستان «جکی اسمیت» در سفر خود به پاکستان اظهار داشت: «سالانه حدود ۵۰ هزار بریتانیایی به دین اسلام گرایش می یابند. به طوری که در کمتر از هفت سال ۴۰۰ هزار بریتانیایی مسلمان شده اند». (مهرنیوز، ۱۳۸۷: ۲۰ فروردین)

رشد اسلام گرایی در میان جمعیت بومی اروپا، برای سیاستمداران اروپایی و کلیساها نگران کننده بود و زنگ خطر را برای مقابله ی هرچه سریعتر دولت های غربی با این مسئله به صدا آورد. بسیاری از تحلیل گران بر این باور بودند که در پی تشدید تبلیغات غرب به ویژه پس از حادثه ی ۱۱ سپتامبر، تنفر مردم غرب از اسلام روز به روز بیشتر می شود و باید کار اسلام را در غرب تمام شده دانست. اما برخلاف این پندار، هجوم تبلیغاتی علیه اسلام نه تنها اذهان عمومی را از اسلام منحرف نکرد، بلکه زمینه های کنجکاوی بیشتر و تحقیق در حقایق ناب اسلامی را پدید آورد و بر شمار تازه مسلمانان افزود. امروزه در بین کشورهای اروپایی، در اسپانیا، فرانسه و البته انگلیس گرایش به اسلام بسیار زیاد است. مسلماً حضور پر رنگ تر مسلمانان در جوامع اروپایی و افزایش جمعیت آنها موجب رساتر شدن صدای اسلام گرایاندر این جوامع خواهد شد و آنها را از وضعیت باثبات تری در اروپا برخوردار خواهد کرد.

ج. روی کار آمدن احزاب راست رادیکال: شرایط مذکور باعث روی کار آمدن احزاب راست رادیکال شد. این گروه ها جزو مهم ترین مخالفان جذب مهاجر به کشورهای اروپایی هستند و در نتیجه ی فعالیت آنها تب اسلام هراسی بالا گرفت. آنها معتقدند که رشد جمعیت مسلمانان در اروپا به شکل گیری اکثریت مسلمان منجر خواهد شد و در نتیجه جامعه ی اروپایی را مورد تهدید قرار خواهد داد. به این ترتیب ظهور گرایش های بیگانه ستیزی در غرب یکی از اصلی ترین حامیان اجتماعی اسلام هراسی را شکل داده است. محتوای فرهنگی اکثر احزاب افراطی راست بر مبنای «نژاد پرستی فرهنگی»

(Cultural racism) بنا شده است که اعتقاد دارند اروپایی‌های اصیل و تمدن غربی نه به خاطر نژاد سفید پوست بلکه به دلیل فرهنگ، عالی قدرترند. احزاب راست رادیکال با گرایش نژادپرستانه‌ی خود به احساسات تبعیض آمیز و ضد خارجی شهروندان اروپایی دامن می‌زنند. در نتیجه می‌توان گفت که وجود جریان اسلام‌هراسی نه به عنوان تنش فرهنگی صرف میان هویت مسلمانان و سایر شهروندان غربی بلکه به عنوان جریانی هدایت شده از سوی گروه‌های راست افراطی قلمداد می‌شود. آنها پس از حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر از احساس ترس و آسیب‌پذیری حاصل از حملات تروریستی در بخش‌های مختلف جهان بهره‌برده و مسلمانان را به عنوان تهدیدی بر عیبه امنیت و ارزش‌های کشورهای عضو اتحادیه اروپا معرفی کردند. (مرشدی زاد و هشجین، ۱۳۸۶: ۱۲۰)

اخیراً حزب راست افراطی فرانسه بخش گسترده‌ای از برنامه انتخاباتی خود را به عنوان «خطر مهاجرت و مهاجران» اختصاص داد و متعهد شد که بطور کلی ورود مهاجران را متوقف و پناهندگان را جهت بازگشت به کشورهای خود از فرانسه اخراج کند. در این میان دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده‌ی آمریکا برخورد جدی تری برای مقابله با پدیده‌ی مهاجرت مسلمانان داشت. بر اساس متنپیش‌نویسی که توسط ترامپ به امضا رسید، ورود پناهجویان سوری به ایالات متحده ممنوع شد و صدور ویزای مهاجرتی و غیرمهاجرتی برای شهروندان هفت کشور اسلامی یعنی سوریه، عراق، ایران، یمن، سودان، سومالی و لیبی به مدت ۳۰ روز متوقف شد. این فرمان ترامپ توسط چند دادگاه ایالتی لغو شد اما او با امضای فرمان جدیدی در رابطه با ممنوعیت ورود اتباع کشورهای مذکور، سعی در جلوگیری از ورود مسلمانان به ایالات متحده دارد. اگرچه این فرمان نیز به سرنوشت فرمان قبلی دچار شد اما آنچه مدنظر است، تلاشی است که احزاب راست افراطی در جهت مقابله با نفوذ مسلمانان در غرب دارند، تلاشی که ناشی از احساس خطر جوامع غربی از رشد جمعیت مسلمانان و همچنین اسلام‌گرایی در آن جوامع است.

د.احیای هویت اسلامی در میان جوامع اسلامی: با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹م شکل متفاوتی از باورهای رایج در میان مسلمانان به نمایش در آمد. این انقلاب نه سازش دولت‌های عربی وابسته به غرب را داشت و نه بی تفاوتی دیگر مسلمانان غیر عرب را. انقلاب اسلامی ایران موجبات بیداری جهان اسلام را فراهم کرد و آنها را در مقابل دشمنان امت اسلامی قرار داد، از این رو هم منافع غرب به خطر افتاد و هم

منافع رژیم صهیونیستی. حمایت جمهوری اسلامی ایران از جنبش فلسطین و طرح آن در مجامع بین المللی موج جدیدی از توجه مسلمانان و بالطبع، جهان را به مسئله ی فلسطین معطوف کرد. علاوه بر این، انقلاب اسلامی ایران، همواره به عنوان مانعی بزرگ در راه پروژه ی جهانی سازی غربی و نظم نوین بین المللی بوده است. در واقع، انقلاب اسلامی ایران سبب دمیدن روح تازه ای در کالبد جنبش های اسلامی دهه های گذشته شد و این ماهیت اصیل همان تجدید حیات اسلامی، اسلام سیاسی و یا به تعبیر امام خمینی (ره) باز گشت به مفاهیم اسلام ناب محمدی (ص) در اداره جامعه بود. هر چند در برخی از جنبش های قبل از انقلاب اسلامی نیز برخی از مفاهیم اسلامی نمود می یافت، اما باید به این نکته اذعان کرد که ناسیونالیسم هم موتور محرک این جنبش ها بود. اما بعد از انقلاب اسلامی، گفتمان اسلام سیاسی رهبری جنبش های مردمی جهان اسلام برخاست. بالطبع، جهان غرب نیز باید در مقابل این عمل، عکس العمل نشان می داد و راه حلی برای مقابله با آن ارائه می کرد. هانتینگتون در این باره می گوید: «مادامی که اسلام همچنان اسلام و غرب نیز غرب بماند، نزاع بنیادین میان این دو تمدن و روش زندگی، روابط آنها را در آینده نیز تعیین خواهد کرد؛ همان گونه که در ۱۴ قرن گذشته نیز اینگونه بوده است». (نخعی، ۱۳۹۰: ۵۴)

ج. نیاز به دشمن تراشی برای توجیه سیاست های امپریالیستی غرب: روزی سناتور «آرتور وندنبرگ» گفت: پرزیدنت ترومن برای محبوب شدن باید کشور را تا حد مرگ می ترساند. این سخن وندنبرگ به روشنی لزوم دشمن تراشی را برای ادامه ی حیات یک گفتمان نشان می داد. پس از جنگ جهانی دوم، دنیای غرب سیاست ها و اهداف خود را به منظور مقابله با نفوذ کمونیسم شوروی سامان می داد و از آن به «خطر سرخ» یاد می کرد. با فروپاشی شوروی، نیاز شدیدی برای یافتن یک دشمن جدید که توجیه کننده ی رفتارها و فلسفه ی وجودی اتحاد غرب باشد، احساس شد. از این رو، یافتن دشمن جدید تبدیل به یکی از دغدغه های اصلی نظریه پردازان و حاکمان مغرب زمین شد. این دشمن می توانست جهان سوم و بر مبنای تئوری «برخورد تمدن ها» مشخصاً اسلام باشد. (نقیب زاده، ۱۳۸۵: ۱) در سال ۱۹۹۱م یک نویسنده ی فرانسوی کتابی با عنوان «امپراطوری و بربرهای جدید» منتشر کرد. در آن سال ها کمتر کسی به محتوای پر معنای آن توجه کرد. او کتاب خود را با تمثیلی از یونان باستان شروع کرد و اینگونه نوشت:

وقتی امپراطوری رم بر آخرین دشمن خود یعنی کارتاژ سلطه یافت، اسکپیون سردار رمی در حالی که شعله‌های آتش را که از شهر سوخته‌ی کارتاژ زبانه می‌کشید، مشاهده می‌کرد اشک در چشمانش حلقه زد و با خود اندیشید که بدون دشمن چگونه می‌توان امپراطوری بزرگ رم را پایدار نگه داشت. آنگاه پلیپ مورخ یونانی را فراخواند و چاره‌ی کار از او خواست. پلیپ چندی اندیشه کرد و پاسخ داد: بربرها. از این پس امپراطوری رم بربرها را به عنوان دشمن شماره‌ی یک امپراطوری معرفی کرد و توانست خود را تا سالها بر سر پا نگه دارد. (نقیب‌زاده، ۱۳۸۵: ۳)

سپس نویسنده نتیجه می‌گیرد که امروز هم غرب آخرین دشمن خود یعنی شوروی را از پا درآورده ولی بدون دشمن نمی‌تواند خود را حفظ کند. پس باید اسلام را به عنوان دشمن اصلی خود علم و در پناه این رویارویی وحدت خود را تضمین نماید. مقدمات نظری دشمن‌سازی جدید توسطهائینگتون، اندیشمندی که وابستگی آن به دستگاه‌های اجرایی آمریکا مورد تردید نیست، فراهم شد. نظریه‌ی «برخورد تمدن‌ها» از رویارویی تمدن‌هایی که بر پایه‌ی مذاهب بزرگ استوار بودند، خبر می‌داد. در این برخورد، رویارویی جهان مسیحی و اسلام از همه پررنگ‌تر بود و پرده از یک استراتژی جدید برمی‌داشت. بعدها با تحقیقاتی که در این زمینه صورت گرفت، اسلام در میان دیگر مذاهب جهان سوم به عنوان بهترین مورد انتخاب شد. برای رسیدن به این هدف و قرار دادن غرب در مقابل اسلام، نظریه‌ی «پایان تاریخ» فوکویاما انتخاب شد. پایان تاریخ به این معنا بود که تمام راه‌ها به لیبرالیسم غربی ختم خواهد شد و روش‌های دیگر محکوم به شکست هستند. شکست روس‌ها و تجدید نظر چینی‌ها در نظام اقتصادی کشور خود، بزرگترین کمک را به نظریه‌ی فوکویاما کرد. با این اوصاف اسلام تنها حریفی بود که در مقابل غربی‌ها قرار می‌گرفت و حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر سرآغاز جنگ بر علیه اسلام بود. غربی‌ها بلافاصله پس از این واقعه مساله تروریسم اسلامی را مطرح و از اسلام به عنوان «خطر سبز» یاد کردند. اگرچه به قول یورگن تودنهورف: «تروریسم هیچ ربطی به دین ندارد و در حقیقت چیزی به نام تروریسم اسلامی وجود ندارد. هرگز تروریسم ایرلند شمالی و یا ترورهایی که آندرس بریویک نروژی مرتکب شد، تروریسم مسیحی نیستند». (تودنهورف، ۱۳۹۴: ۳۳) در هر صورت، جوامع غربی حول محور مقابله با این تهدید شروع به غیریت‌سازی با اسلام کردند و خطر اسلام و ارزش‌های اسلامی به عنوان اصلی‌ترین تهدید برای امنیت ملی،

فرهنگ و تمدن غربی محسوب شد. رسانه ها و مطبوعات غربی نیز تهدید اسلام را جایگزین خطر شوروی کمونیستی کردند. در واقع، با فروپاشی شوروی و تغییر ساختار نظام بین الملل، سخن از جنگ سرد دیگری است که این بار نه تنها در ساحت قدرت سخت بلکه در عرصه ی قدرت نرم و بر پایه تجدید هویت های منطقه ای که بر قوم و مذهب تاکید دارند، استوار شده است و عمدتاً غیریت سازی های فرهنگی و تمدنی معیار اصلی دسته بندی هادر سطح بین المللی است. (خراسانی، ۱۳۸۹: ۸۴)

۳. تکفیری ها و اسلام هراسی غربی

بسیاری از کشورهای غربی در تلاش اند تا اقدامات گروه های تروریستی همچون داعش، القاعده و بوکو حرام را نشانگر اسلام حقیقی بدانند و این باور را در میان اذهان شهروندان غربی نهادینه کنند که ذات اسلام با خشونت و ترور پیوند دارد. آنها معتقدند چیزی به نام اسلام میانه رو یا اسلام صلح طلب وجود خارجی ندارد. این امر باعث شده تا عده ای بدون توجه به این نکته که تروریسم پدیده ای جهانی است و از سوی گروه های و دولت های مختلف و صرف نظر از نژاد، مذهب یا فرهنگ استفاده می شود، اسلام را با تروریسم و افراط گرایی پیوند بزنند. آنها از تکفیری ها استفاده کرده و اعمال خشونت طلبانه ی این گروه ها را دلیلی بر خشونت گرا بودن دین اسلام می دانند و سعی بر آن دارند تا محدودیت های شدیدی را ضد مسلمانان و مهاجران خارجی اعمال کنند. (kalin, 2014) آنها اسلام را دین خشونت و مسیحیت را دین صلح معرفی می کنند. در نگاه آنان قانون اسلام، غیر مسلمانان را تهدید می کند؛ اسلام عامل نابودی ارزش های غرب است؛ غرب حامی حقوق زنان و اسلام مخالف آن و ناقض حقوق آنهاست؛ غرب دموکراتیک و اسلام نابردبار و خشونت گراست؛ اسلام عامل تروریسم و غرب پیشرو در مبارزه با آن است. این نوع برخورد با شرق و مسلمانان به وفور در رفتار عاملان اسلام هراسی دیده می شود. به طور کلی در نزد آنها هویت اسلامی هویتی عقب مانده، خشن و نابردبار معرفی شده و این امر به تقابل و برخورد آن با غرب منجر می شود.

دولت های غربی به منظور مقابله با اسلام گرایی و حذف اسلام سیاسی و همچنین یافتن دشمن جدیدی برای توجیه سیاستهای امپریالیستی خود در مناطق مختلف جهان، راه های متفاوتی را برگزیدند. مقابله نظامی با جمهوری اسلامی ایران به دلیل فعال نمودن جریان اسلام سیاسی، خطرناک جلوه دادن انقلاب اسلامی برای منطقه خاورمیانه، پروژه

دموکراتیزاسیون در منطقه، تهاجم به کشورهای اسلامی به بهانه مبارزه با تروریسم و... نمونه‌هایی از راهکارهای غرب برای مقابله با اسلام سیاسی است. غربی‌ها بر اساس تجربه‌ی به دست آمده از دوره‌های قبل به این نتیجه رسیدند که با لشکر کشی و مقابله‌ی مستقیم نظامی قادر به مقابله با جریان اسلام سیاسی نیستند. بنابراین به ارائه‌ی مدل‌های بدیل از اسلام یا آنچه که «اسلام آمریکایی» خوانده می‌شود، پرداختند. در این میان «سکولار کردن» یا «سکولاریزاسیون» ایده‌ی محوری گفتمان اسلام آمریکایی بود. (زینالی، ۱۳۹۴: ۱۵۹) با وجود این، تحولات کشورهای اسلامی به دلیل تأثیر پذیری آشکار از انقلاب اسلامی ایران، مسیری کاملاً متفاوت با آنچه غربی‌ها ترسیم کرده بودند، پیمود و گفتمان اسلام سکولاریستی نیز در رقابت با اسلام سیاسی شکست خورد. غربی‌ها باز هم به حربه‌ی دیگری متوسل شدند و اسلام آمریکایی سکولاریستی جای خود را به اسلام آمریکایی تکفیری داد. به این ترتیب، این بار نه سکولاریسم بلکه نوع متحجر اسلام سیاسی یا همان داعش به میدان رقابت با گفتمان اسلام سیاسی وارد شد. این گروه‌خوشونت‌های غیر قابل توجهی را به نام اسلام و در اصل با هدف ارائه‌ی چهره‌ی منفور از اسلام، در سوریه و عراق انجام داد. این خوشونت‌ها در راستای هدف طولانی مدت و استراتژی تنظیم یافته اروپا، آمریکا و رژیم صهیونیستی برای شکست اسلام انقلابی بود. رهبر انقلاب چندی پیش با اشاره به اقدامات داعش فرمودند:

این‌ها درست به عکس عمل کردند؛ مسلمان را کشتند، غیرمسلمان غیرمعرض را زیر شمشیر نشانند، تصویر آن در همه‌ی دنیا پخش شد، همه‌ی دنیا این را دیدند. همه‌ی دنیا دیدند که یک نفری به نام اسلام دست کرد از سینه‌ی یک آدم کشته‌شده، دل او را بیرون آورد و به دندان کشید! این را دنیا دید. این‌ها به نام اسلام تمام شد. (خامنه‌ای: ۹۳/۹/۴)

آنان در پروژه جدید به دنبال کسانی بودند که پروژه اسلام‌هراسی را به شکلی جدی‌تر و کارآمدتر اجرا نماید که در این میان تکفیریها بهترین کاندیدا برای این کار بودند، چرا که این گروه اثبات کرده بود که در قساوت و بی‌رحمی، آن‌هم در دنیای به اصطلاح مدرن، روی خونخوارانی همچون چنگیز و نرون را سفید کرده‌اند، کسانی که به راحتی سر انسان‌های بیگناه را بریده و با آنها بازی می‌کنند، جنازه‌ها را مثله کرده و گوشت تن آنها را می‌خورند و جالب اینجاست که نه تنها اقدامات خود را کتمان نمی‌کنند بلکه با افتخار تمام از همه آنها فیلم تهیه کرده و در فضای مجازی منتشر می‌کنند.

بنابراین تکفیری ها چه بخواهد و چه نخواهد، در شطرنج اسلام هراسی غرب اصلی ترین نقش را ایفا می کند و غربی ها نیز علیرغم ادعای مبارزه با تروریسم، به دلیل همین نقش آفرینی در پشت پرده همه گونه حمایتی را از این گروه ها انجام می دهند. چنانکه بر اساس آمارها مشخص شده است که کشورهای اروپایی تاکنون به هزاران نفر اجازه داده اند که برای پیوستن به داعش به عراق و سوریه رفته و حتی برخی از آنها پس از بازگشت آزادانه در کشور خود تردد کرده و با انجام حادثه مشکوک تروریستی زمینه اسلام هراسی هر چه بیشتر در اروپا را فراهم کنند.

شواهد فراوانی وجود دارد که در بدترین شرایط داعش که نظامیان عراقی در حال از بین بردن آنها بودند و تدارکات این گروه در حال تمام شدن بود، ناگهان هواپیماها و هلی کوپتر های آمریکایی در آسمان ظاهر شده و محموله هایی حاوی هزاران دلار اسلحه و تجهیزات برای این گروه ارسال کردند و یا در شرایطی که جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کشور مستقلو قدرتمند در فروش نفت خویش و انتقال پول آن به داخل کشور با انواع مشکلات مواجه است، این گروه با فروش نفت عراق و سوریه به کشورهای دیگر به راحتی پول های آن ها را دریافت کرده و هزینه های خود را تامین می کند. بنابر این با مطالعه همه این شواهد می توان دریافت که داعش امروزه اصلی ترین مهره اسلام هراسی غرب است و ادعاهای غرب در مبارزه با این گروهک، دروغی بیش نمی باشد.

۴. حوادث تروریستی در اروپا و آمریکا و بالا گرفتن تب اسلام هراسی

در ۱۳ نوامبر ۲۰۱۵ یک رشته حملات تروریستی در پاریس به وقوع پیوست که طبق اعلام مقامات فرانسه حداقل ۱۲۸ نفر در این حملات کشته و شمار زیادی نیز مجروح شدند. (cnn, 2015) این واقعه خونبارترین حادثه ی تروریستی در تاریخ فرانسه بود. اگرچه در کم و کیف این حوادث قیل و قال های فراوانی شد و تحلیل های گوناگونی در مورد آن وجود داشت - که پرداختن به آنها از حوصله ی بحث خارج است - اما آنچه مد نظر است، عواقب ناگواری است که این حادثه برای مسلمانان خصوصاً در فرانسه و دیگر کشورهای اروپایی و غربی به دنبال داشت.

حملات پاریس واکنش های خشونت بار و تندی توسط برخی اروپایی ها در پی داشت. اسپانیا و هلند شاهد تعدی و حمله به مکان های عبادی و مساجد بود و برخی از گروه ها خواستار اخراج مسلمانان از اروپا شدند. در این راستا، هزاران فرانسوی با

شرکت در تظاهراتی پارچه نوشته‌هایی را با خود حمل کردند که خواستار مقابله‌ی شدید با اسلام‌گرایان در کشور و حاوی شعارهای ضد اسلامی بودند. پس از حملات تروریستی پاریس به ویژه توسط افراد مغرض و مخالف با حضور اسلام در اروپا واکنش‌های منفی از خود نشان دادند و از این فرصت سوء استفاده کردند و اقدام به تخریب و تجاوز به مکان‌های عبادی کردند به طوری که به پنج مسجد در فرانسه حمله و تعدی شد. به برخی از زنان مسلمان محجبه نیز تعدی شد و به آنها توهین و فحش و بد و بیراه با بدترین الفاظ داده شد. مدیر اتحادیه سازمان‌های اسلامی در فرانسه گفت که پدیده اسلام‌هراسی در کشورهای اروپایی روز به روز رشد پیدا می‌کند و پررنگتر می‌شود و برخی از قانون‌شکنان که از چارچوب اخلاق و وجدان خارج شده‌اند واکنش‌های منفی علیه مسلمانان از خود نشان می‌دهند. گاردین انگلیس در این باره نوشت: «پس از حادثه تروریستی پاریس، میزان حمله به مسلمانان به سه برابر افزایش یافت به طوری که در طول یک هفته ۱۱۵ مورد از حمله به مسلمانان گزارش شد.» (theguardian, 2015)

رهبر معظم انقلاب با علم بر سوء استفاده‌ی برخی از دولتمردان غربی از حملات تروریستی فرانسه، نامه‌ای برای جوانان غربی نوشت و در آن به لزوم شناخت مستقیم و بدون واسطه‌ی دین اسلام تأکید کردند. ایشان همچنین نسبت به توطئه‌ی خطرناک ایجاد هراس در سایه‌ی ناامنی و گسترش تروریسم هشدار داده و جوانان را که از اندیشه‌ی ای‌کاشگر و وجدانی بیدار برخوردار هستند مورد خطاب قرار داد. در قسمتی از نامه آمده است:

«سخن من با شما درباره‌ی اسلام است و به طور خاص، در مورد تصویر و چهره‌ی ای که از اسلام به شما ارائه می‌گردد. از دو دهه‌ی پیش به این سو- یعنی تقریباً پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی- تلاش‌های زیادی صورت گرفته تا این دین بزرگ، در جایگاه دشمنی ترسناک نشانده شود. تحریک احساس رعب و نفرت و بهره‌گیری از آن، متأسفانه سابقه‌ی طولانی در تاریخ سیاسی غرب دارد. من در اینجا نمی‌خواهم به «هراس‌های» گوناگونی که تاکنون به ملت‌های غربی القا شده است، بپردازم... بلکه می‌گویم اجازه ندهید ریاکارانه تروریست‌های تحت استخدام خود را به عنوان نمایندگان اسلام به شما معرفی کنند. اسلام را از طریق منابع اصیل و مأخذ دست اول آن بشناسید و با اسلام از طریق قرآن و زندگی پیامبر بزرگ آن (صلی الله علیه و آله وسلم) آشنا شوید.» (خامنه‌ای، ۱/۱/۹۳)

نمونه‌ی دیگر از حملات تروریستی در ۱۴ ژوئیه‌ی ۲۰۱۶ و در شهر نیس فرانسه صورت گرفت. عامل حمله‌ی شهر نیس، «محمد لهوج بوهلال» جوان ۳۱ ساله‌ی فرانسوی تونسی تبار بود که با کامیون به مردم در خیابانی در شهر نیس حمله کرد و ۸۴ نفر را کشت. افراد در فرانسه کشته شدند اما نتیجه‌ی این اقدام غیر انسانی و وحشیانه با برنامه ریزی رسانه‌ای غربی‌ها باعث افزایش اسلام‌هراسی و نفرت از مسلمانان شد. از آنجا که زمان وارد شدن شوک به مردم مناسب‌ترین زمان برای تبلیغات رسانه‌ای است، رسانه‌های فرانسه از این فرصت برای تخطئه‌ی کلیت اسلام و مسلمانان استفاده کردند. مرکز فرهنگی مسلمانان در نزدیکی دانشگاه رودايلند مورد هجوم قرار گرفت. اعضای مسجد «الهدا» وابسته به جامعه‌ی مسلمانان «کینگستون» گزارش دادند که شب بعد از حادثه تروریستی نیس، این مسجد مورد هجوم وحشیانه‌ی افراد ناشناس قرار گرفت. در و پنجره‌های مسجد شکسته شدند و شعاری نیز با مضمون «محمد پیامبر قصابان» بر روی دیوار اصلی مسجد نوشته شد. (cbsnews, 2016)

حادثه‌ی تروریستی دیگر در دوم دسامبر ۲۰۱۵ در یک تیراندازی در شهر سن برناردینو واقع در ایالت کالیفرنیا آمریکا به وقوع پیوست. در این حادثه‌ی تروریستی ۱۴ نفر کشته و ۲۱ نفر زخمی شدند. همچنین مهاجمان که سید رضوان فاروق و همسرش تشفین مالک بودند، در تیراندازی پلیس کشته شدند. (dabiq, 1437:3) آنها محل مهمانی کارمندان بخش بهداشت عمومی شهر سن برناردینو را در تالار کنفرانس هدف قرار داده بودند. سید رضوان فاروق از پدر و مادر پاکستانی‌الاصول در ایالات متحده متولد شده بود و همسرش تشفین مالک در پاکستان متولد شده و در عربستان سعودی بزرگ شده بود. سید رضوان به عنوان بازرس مسئول رسیدگی به رستوران‌های سن برناردینو مشغول به کار بود و به گفته‌ی مقامات امنیتی آمریکا از طریق شبکه‌های اجتماعی با تروریست‌ها ارتباط داشته است.

سولتاس و استفن دیویدوویتز پس از این حادثه مقاله‌ای را در روزنامه‌ی نیویورک تایمز با عنوان «افزایش جستجوی نفرت» (The rise of hate search) منتشر کردند که به گفته‌ی خود آنها اگر نتایج حاصل از تحقیقاتشان درست باشد، اسلام‌هراسی در بالاترین حد خود پس از حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر قرار دارد. (soltas&davidowitz, 2015)

طبق نظر سولتاس و دیویدوویتز، جستجوهای اسلام‌هراسانه‌ی گوگل در ایالات متحده پس از حوادث پاریس به ۱۰ برابر رسید و این وضع پس از حادثه‌ی سن برناردینو نیز اتفاق افتاد. تنها در نوامبر ۲۰۱۵ میلادی حدود ۳۶۰۰ مورد جستجو برای عبارت «من از

مسلمانان بیزارم» و حدود ۲۴۰۰ مورد جستجو در گوگل با عبارت «کشتن مسلمانان» ثبت شد. آنها به این نتیجه رسیدند که جستجوی کلمات اهانت آمیز و موهن علیه مسلمانان بیش از هر مذهب، فرقه و نژادی است. همچنین تحقیقات مذکور نشان می‌دهد که دیدگاه مردم آمریکا نسبت به مسلمانان تنها چند دقیقه پس از حملات تروریستی تغییر می‌کند. قبل از حملات پاریس ۶۰ درصد از جستجوهای مردم آمریکا در اینترنت، دیدگاه مثبتی نسبت به پناهجویان سوری داشتند و از کلماتی همچون «کمک کردن»، «داوطلب» یا «یاری رساندن» استفاده می‌کردند. در همین حال حدود ۴۰ درصد از مردم آمریکا دیدگاه منفی نسبت به پناهجویان سوری داشتند و در مورد حضور آنها مشکوک بودند. پس از حملات تروریستی پاریس شمار افرادی که نسبت به حضور پناهجویان سوری در آمریکا معترض بودند به ۸۰ درصد افزایش یافت. (Ibid) می‌توان به این سیاهه، حوادث تروریستی دیگری را نیز افزود. حوادثی که مصداق «آفتاب آمد دلیل آفتاب» می‌شود برای دولت‌های غربی تا گام به گام پروژه‌ی اسلام‌هراسی را پیش ببرند. چه عبارتی بهتر از عبارتی که داعش در شماره‌ی هفتم از مجله‌ی دابق به آن اشاره کرد؟ «اسلام دین شمشیر است نه صلح طلبی» (Islam is the religion of the sword not pacifism) و تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل!

۵. نتیجه‌گیری

یکی از روندهای کنونی نظام بین‌الملل، رویارویی اسلام و غرب و دامن زدن به این جریان در محافل رسمی و غیر رسمی کشورهای غربی است. با وجود اینکه روند مذکور قدمتی دیرینه در تاریخ دارد، اما در دهه‌های اخیر سیر صعودی به خود گرفته است. حوادث و رویدادهای گوناگونی در تشدید این روند دخیل بوده است از جمله افزایش روزافزون جمعیت مسلمانان در غرب، گسترش اسلام‌گرایی در میان شهروندان غربی، پیروزی انقلاب اسلامی ایران و احیای تمدن اسلامی، گسترش گرایش‌های راست افراطی در غرب و تشدید اراده‌هایی مبنی بر ایجاد هر چه بیشتر اسلام‌هراسی در میان شهروندان اروپایی و غربی و در نهایت، نیاز غرب به دشمن پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی.

وقایع مذکور باعث تقویت هرچه بیشتر اسلام‌هراسی در میان ملل غربی توسط دولت‌های غربی شد. آنها از راه‌های گوناگونی در صدد ایجاد رعب و وحشت از اسلام بودند. آنچه اخیراً کمک شایانی به تکمیل پروژه‌ی اسلام‌هراسی کرده است، جنایات

وحشیانه و غیر انسانی تکفیری ها در مناطق مختلف جهان و به خصوص در دو کشور عراق و سوریه است. انتشار تصاویر و کلیپ های خشونت آمیز تکفیری ها در شبکه های اجتماعی و دیگر رسانه های مجازی، مهر تأییدی است بر این ادعای غرب که دین اسلام، دین خشونت و افراط گرایی است و سر سازش با پیروان دیگر ادیان و مذاهب ندارد. اگرچه تکفیری ها اعمال وحشیانه ی خود را به اسلام نسبت می دهند، اما نباید فراموش کرد که این جنایات به صورت گسترده ای از سوی فرق و مذاهب مختلف اسلامی محکوم شده و مورد مخالفت قرار می گیرند. از نامه های مقام معظم رهبری به جوانان غربی و محکومیت جنایات تکفیری ها توسط ایشان گرفته تا رد افراط گرایی تروریست های تکفیری توسط علمای الازهر و دیگر علمای شیعه و سنی، دلیلی است بر عدم تناسب اعمال تروریستی تکفیری ها با اسلام. اگر غربی ها مدعی اند که زندگی دموکراتیک و کثرت گرایانه ای دارند باید در برخوردهای تعصب آمیز خود با مسلمانان تجدید نظر کنند. مسلماً همه ی مسلمانان افراط گرا نبوده و نیستند و متأسفانه خود آنها اولین و بزرگترین قربانیان تروریست های تکفیری بوده اند.

در هر صورت نباید تأثیر حملات تروریستی تکفیری ها را در برانگیختن افکار عمومی غرب و به راه افتادن موج اسلام هراسی در میان شهروندان غربی نادیده گرفت. تنها راه مقابله با اسلام هراسی معرفی اسلام ناب محمدی (ص) به جهانیان و آشکار کردن انحراف تکفیری ها از آن است. این همان چیزی است که رهبر معظم انقلاب اسلامی به آن اشاره نمودند، یعنی آشنا کردن مردم غرب به ویژه جوانان با قرآن کریم، منابع دست اول اسلامی و سیره ی ائمه ی اطهار علیهم السلام که سرشار از روح اخوت، برادری و انسان دوستی است. غربی ها باید بدانند که اسلام ناب و اصیل با تفکراتی که تکفیری ها و افراطیون به نام اسلام تبلیغ می کنند، متفاوت است. بنابراین به کارگیری نیروهایی که با فرهنگ اسلام و غرب آشنا هستند و ایجاد زمینه برای تفاهم و گفتگوی مسالمت آمیز نخستین گام برای جلوگیری از رشد اسلام هراسی است.

کتاب نامه

تودنهورف، یورگن. (۱۳۹۴). ده روز با داعش: از درون دولت اسلامی. ترجمه علی عبداللهی و زهرا معین الدینی. تهران: انتشارات کتاب کوله پشتی

حسینی، خاتم. (۱۳۹۰). جمعیت شناسی اقتصادی اجتماعی و تنظیم خانواده. همدان: انتشارات دانشگاه بوعلی سینا

تکفیری‌ها و پروژه اسلام‌هراسی در غرب ۱۵۵

خراسانی، رضا. (۱۳۸۹). مواجهه ی غرب و اسلام سیاسی در دوره ی معاصر (چیستی و چرایی آن). در فصلنامه علوم سیاسی. ۱۳ (۱) (پیاپی ۴۹). بهار. صص ۶۵-۹۴

زینالی، صادق. (۱۳۹۴). اسلام‌هراسی غربی، زمینه‌های اجتماعی و رویکرد‌های سیاسی. در فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام. ۱۶ (۱) (پیاپی ۶۱). بهار. صص ۱۲۷-۱۶۷

مرشدی زاد، علی و غفاری هشجین، زاهد. (۱۳۸۶). اسلام‌هراسی در اروپا؛ ریشه‌ها و عوامل. در دو فصلنامه دانش سیاسی. ۳ (۲). پاییز و زمستان. صص ۱۱۳-۱۳۹

نخعی، معصومه. (۱۳۹۰). درآمدی بر چرایی اسلام‌هراسی. در دو ماهنامه کیهان فرهنگی. ۲۸ (۳۰۰) و ۲۹۹. آبان و آذر. صص ۴۸-۵۶

نقیب‌زاده، احمد. (۱۳۸۵). نیاز به دشمن، این بار اسلام. در دو فصلنامه مطالعات میان فرهنگی. ۱ (۳). پاییز و زمستان. صص ۱-۴۰.

Cbsnews. (2016). Nicefrance attack: rhode island muslim center vandalized in wake of france attack. July 15. <http://www.cbsnews.com/> (accessed in 5 june 2016)

Cnn. (2015). Paris massacre: at least 128 killed in gunfire and blasts. November 14. <http://cnn.com/> (accessed in 7 june 2016)

Dabiq.(1437). The rafidah from ibnsaba to the dajjal. Rabi al-akhir. Issue 13 <http://farsi.Khamenei.ir/>
<http://www.mehrnews.com/>

Kalin, I. (2014). Isis and islamophobia. November 15. <https://www.dailysabah.com/> (accessed 5 june 2016).

Masci,david.(2005). An uncertain road,muslims and the future of Europe. October 19. <http://www.pewforum.org/> (accessed 5 june 2016).

Soltas,evan&sethstephens-davidowitz. (2015). The rise of hate search. December 12. <https://www.nytimes.com/> (accessed in 7 june 2016).

Theguardian.(2015). Islamophobia plays right into the hands of isis. November 25. <https://www.theguardian.com/> (accessed 5 june 2016).

Yuhas, alan.(2015). Muslim population in Europe to reach 10% by 2050. April 2. [https:// www. Theguardian. Com/](https://www.theguardian.com/) (accessed 1 june 2016).